

مکان یابی شهرهای قرار گرفته بر سر شاهراه خراسان در کرمانشاهان (محور ساسانی قصر شیرین -

کرمانشاه) بر پایه متون تاریخی و سفرنامه ها

صبا غلامی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

رضا مهر آفرین

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

سیدرسول موسوی حاجی

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱، سال ۱۷ شماره ۶۶- صفحه ۲۲۷-۲۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

چکیده

جغرافیای تاریخی روشی علمی برای مطالعات محوطه‌های باستانی، جای یابی شهرها و محوطه‌ها، است. جغرافیای تاریخی عوامل جغرافیایی را در طول تاریخ بررسی می‌کند. غرب ایران در طول تاریخ به واسطه موقعیت استراتژیک و همسایگی با عراق و فاصله کم با تیسفون همواره مورد اهمیت و توجه بوده است. جاده قصر شیرین-کرمانشاه دارای ارزش تاریخی و تجاری است، این جاده به‌عنوان بخشی از شاهراه تجاری خراسان آسیای غربی را به آسیای شرقی وصل می‌کند. کرمانشاه دومین استانی است که بیشترین آثار ازدوره ساسانی را دارا است، مسیر تجاری راه خراسان با گذر از قصر شیرین و کرمانشاه از ایران می‌گذرد امروزه بخشی از آن که منطبق با جاده‌ای است که از عراق به سمت کرمانشاه می‌رود. بانام محور ساسانی قصر شیرین - کرمانشاه شناخته می‌شود، حدفاصل شهر قصر شیرین تا کرمانشاه شهرهای سرپل ذهاب، کرد، اسلام‌آباد غرب و ماهیدشت قرار دارد، این شهرها و روستاهای اطراف آن هرکدام آثار تاریخی متعلق به دوران‌های تاریخی، اشکانی، ساسانی و پس از ساسانی را دارا است. این مسیر باستانی هنوز مورد استفاده و اهمیت است. در دوران اشکانی و ساسانی با توجه به نقش واسطه‌گری تجاری از این مسیر استفاده شده است، در دوران اسلامی این منطقه بخشی از ایالت جبال بود. اهمیت تجارت در این مسیر باعث ایجاد شهرهای مهم و پویا شده است. این جاده همواره مورد توجه سیاحان و جغرافیا نویسان بوده است. در این مقاله جغرافیای تاریخی منطقه در دوران اشکانی، ساسانی و دوران اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: جغرافیای تاریخی، اشکانی، ساسانی، ایالت جبال، محور قصر شیرین-کرمانشاه.

مقدمه

جغرافیای تاریخی به عنوان یک مقوله علمی، امروزه راه مناسبی برای مطالعات باستان‌شناسی فراهم آورده است، بدون این زمینه مناسب و در فقدان مدارک مکتوب، تعیین هویت و تعلق بسیاری از محوطه‌های باستانی و فرهنگ‌ها با ابهام همراه خواهد بود. (محمدی فر، ۱۳۸۵: ص ۱۷۴) دایره المعارف بریتانیکا در تعریف خود از جغرافیای تاریخی چنین توضیح می‌دهد: مفهوم جغرافیای تاریخی، شرح تغییرات عوامل جغرافیایی است که در طول تاریخ رخ داده است. (قائم مقامی، ۱۳۵۱: ص ۱۶)

جایگاه غرب ایران در طول تاریخ بسیار مهم است، جاده‌ای که مسیرش از تیسفون تا کرمانشاه و پس از آن به همدان می‌رسد، از شهرهای مهمی چون قصر شیرین، سرپل ذهاب، کرند، کرمانشاه، بیستون، کنگاور در نهایت به همدان می‌رسد، در طول تاریخ اهمیت بسیاری داشته است. راهی که از همدان به بغداد می‌رفت، اهمیت فراوانی داشته است، راه مزبور شامل شاه‌راه تجاری‌ای بود که از آسیای غربی به آسیای شرقی می‌رفت، به همین جهت جغرافیا نویسان عرب به تفصیل به شرح آن پرداخته‌اند. (بارتولد، ۱۳۰۸: ص ۲۴۹)

لسترنج در این باره نوشته است: «این جاده از دروازه خراسان در خاور بغداد شروع می‌شد و از صحرا گذشته از پل‌های مستحکمی که بر روی رودخانه‌ها ساخته بودند عبور می‌کرد تا به «حلوان» می‌رسید و در اینجا به ایالت جبال وارد می‌شد و پس از عبور از یک سربالایی تند به کرمانشاه مرکز کردستان می‌رسید و ایالت جبال را با خطی مورب درنوردیده به سمت شمال خاوری می‌رفت و از همدان نیز می‌گذشت تا به ری می‌رسید. پس از عبور از ری به سمت خاور متوجه می‌شد و از قومن عبور نموده کوه‌های طبرستان را در سمت چپ و کویر لوت را در جنوب خود می‌گذشت تا نزدیک بسطام به ایالت خراسان وارد می‌گردید».

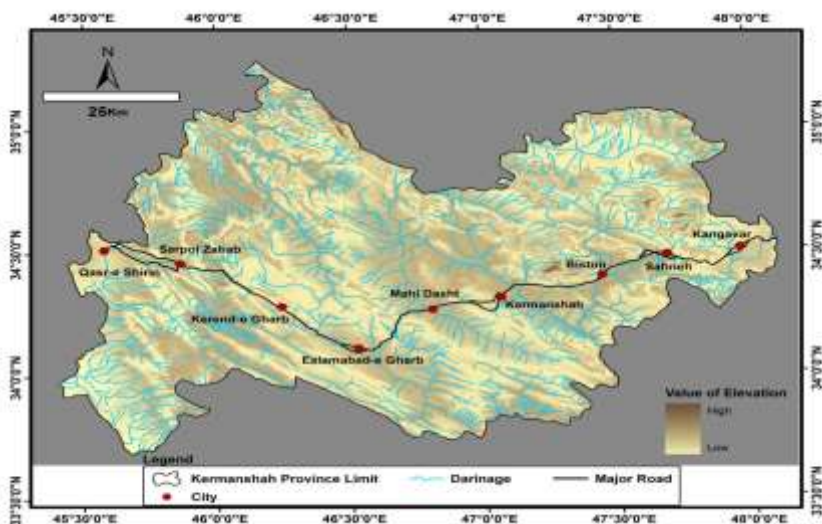
این مسیر تجاری، دروازه فلات ایران نامیده می‌شد و از موقعیت استراتژیک و حساسی برخوردار بوده است، در طول دوران‌های تاریخی، پیش از اسلام، اهمیت بسیاری به این منطقه داده شده است. این اهمیت را از تعداد آثار باستانی بسیار در این مسیر مشاهده می‌کنیم. داریوش هخامنشی کتیبه و نقش برجسته مشهور خود را در بیستون بر سر شاه‌راهی کند که محل عبور کاروان‌ها به سمت غرب

مکان یابی شهرهای قرارگرفته بر سر شاهراه خراسان در کرمانشاهان

و بین‌النهرین بود. مسیر محور از قصر شیرین آغاز می‌شود تا کرمانشاه شامل ده‌ها اثر باستانی از دوره‌های تاریخی مختلف است.

تعریف محور ساسانی قصر شیرین - کرمانشاه

کرمانشاه دومین استانی است که بیشترین آثار از دوره ساسانی را دارا است، مسیر تجاری راه خراسان با گذر از قصر شیرین و کرمانشاه از ایران می‌گذرد امروزه بخشی از آن که منطبق با جاده‌ای است که از عراق به سمت کرمانشاه می‌رود، بانام محور ساسانی قصر شیرین - کرمانشاه شناخته می‌شود، حدفاصل شهر قصر شیرین تا کرمانشاه شهرهای سرپل ذهاب، کردند، اسلام‌آباد غرب و ماهیدشت قرار دارد، این شهرها و روستاهای اطراف آن هرکدام آثار تاریخی متعلق به دوران‌های تاریخی، اشکانی، ساسانی و پس از ساسانی را دارا است. اکثریت بناها متعلق به دوران ساسانی است که در زمان پس از ساسانیان نیز استفاده می‌شده است. در اصل قبل از قصر شیرین، این جاده و آثار تاریخی آن از تیسفون آغاز شده است؛ اما به علت مرزبندی‌های امروزی و وجود بخشی از مسیر در داخل خاک عراق مطالعه بخش خارجی آن میسر نیست (تصویر ۱). نام‌گذاری این بخش از مسیر به‌عنوان محور ساسانی قصر شیرین - کرمانشاه توسط پایگاه میراث فرهنگی استان کرمانشاه انجام‌گرفته است؛ که در پی ثبت آثار و محور ساسانی قصر شیرین - کرمانشاه می‌باشد.



تصویر ۱- امتداد مسیر محور ساسانی در استان کرمانشاه

جغرافیای تاریخی محور قصر شیرین - کرمانشاه در دوران اشکانی

ایران از لحاظ جغرافیایی، از قدیم‌الایام معبر راه‌های شرق، غرب، شمال و جنوب بود. در زمان گسترش امپراتوری هخامنشیان، این ارتباط میان‌چهار جهت امپراتوری محسوس‌تر شد. ایران در زمان پیش از پارتیان نیز، کماکان به وظیفه میانجی‌گری خود ادامه می‌داد، زیرا کاروان‌های بسیاری از جاده‌های آن‌ها استفاده می‌کردند. پارتیان از غرب با روم و دولت‌های تابع آن، از شرق با کوشانیان، هندیان و چینیان، از شمال با ایریاریان و گرجیان و از شمال غربی با ارمنستان و دولت‌های آسیای صغیر مناسبات تجاری و بازرگانی فراوان داشتند. برقراری مناسبات تجاری بیشتر از راه زمینی بود تا راه دریایی. وجود راه‌ها و جاده‌های بی‌شماری از شرق به غرب و شمال به جنوب این امر را امکان‌پذیر می‌ساخت. پارتیان دو جاده‌ی بسیار مهم را تحت نظارت خود داشتند: یکی جاده‌ای که از فرات شروع می‌شد و بعد از عبور از سوریه و شمال بین‌النهرین، از دجله می‌گذشت و وارد تیسفون و ولاشگرد می‌شد. بعد از آن به طرف جبال حرکت می‌کرد، از بیستون می‌گذشت و وارد اکباتان می‌شد (میرزایی، ۱۳۸۴: ص ۲۶) در بررسی جغرافیایی این منطقه در دوره اشکانی به منابع محدودی اشاره شده است، مهمترین و معتبرترین مدرکی که از دوره در اختیار داریم و در آن به کرمانشاه و استان‌های غربی اشاره شده است، کتاب ایستگاه‌های پارتی ایزدور خاراکسی است، این کتاب را می‌توان کهن‌ترین متن مکتوب جغرافیای ایران باستان دانست. در سال ۳۷ پیش از میلاد همزمان با پادشاهی فرهاد چهارم اشکانی، آگوستوس امپراتور روم، ایزدور خاراکسی را به دلیل اهمیت روابط ایران دوره اشکانی و روم، مأمور بررسی و شناسایی راه‌های ارتباطی مشرق زمین کرد. این کتاب حاوی اطلاعات نادری در باب مکان‌ها و استقرارهای جمعیتی ایران در عمق تاریخ است. ایزدور خاراکسی در اثر خویش به شرح تفصیلی مسیر کاروانی‌ای پرداخته است که از انطاکیه شروع می‌شود و تا مرزهای هندوستان ادامه پیدا می‌کند. منظور از ایستگاه‌ها در کتاب، کاروانسراها و توقفگاه‌ها است. (خاراکسی، ۱۳۹۰: ص ۲۹)

بنا به روایت ایزدور خاراکسی و پلی بیوس، امپراتوری مهرداد اول را به دو بخش تقسیم کرده‌اند که هر بخش شامل چندین ایالت می‌شد و حدفاصل آن‌ها، دروازه‌های خزر بود. ناحیه سفلی از هفت ایالت به این شرح تشکیل می‌شد: ۱- بین‌النهرین و بابل ۲- آپولیانوس در سوریه (احتمالا

سیاتسن)، ۳- خالویی تیس (قسمتی از اربل و سرپل ذهاب) ۴- کارینا که آن را با کردند فعلی در کرمانشاه یکی می‌دانند. ۵- کامبادنه، در حدود کرمانشاه امروزی. ۶- ماد علیا یا ناحیه اکباتانا یا همدان فعلی؛ ۷- ماد سفلا (میرزایی، ۱۳۸۴: ص ۲۳)

جغرافی دانان قدیم، سرزمین ماد را به دوناحیه تقسیم می‌کنند: ماد بزرگ که شامل همدان، ری و اصفهان است و ماد کوچک که همان آذربایجان و قسمتی از کردستان بود. ماد بزرگ در زمان پارت‌ها منطقه وسیع‌تری را شامل می‌شد: همدان، کرمانشاه، اراک، اصفهان و یزد. (سلطانی، ۱۳۷۰: ص ۱) مهرداد اول در سال ۱۴۸ ق.م سرزمین ماد را تصرف کرد، ماد راه دسترسی به بین‌النهرین را هموار می‌کرد و از این حیث تصرفش اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. (شیپمن، ۱۳۸۴: ص ۳۳)، این منطقه به خاطر اهمیت بسیاری که داشته بارها مورد حمله واقع شده است، تیرداد که به تحریک رومیان در زمان اردوان سوم شهرهای خل (حلوان) و ارتمیت را که شهرهای پارتی نامیدند می‌شدند تصرف کرد. خل یا خلا (حلوان) همانند ارتمیت در شرق دجله وقع شده است، اگرچه شهرهای مذکور از جمله شهرهای پارتی بودند، ولی جغرافیا نگاران یونانی هر دو شهر را دارای منشأ یونانی دانسته و عنوان پلیس هلنی را درباره آن به کار برده‌اند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۳: ص ۹۲). اهمیت این ناحیه و شاه‌راه‌های ارتباطی آن علاوه بر جنبه نظامی و استفاده آن، دارای منافع اقتصادی نیز بود. بنا به نوشته پلینی که یکی از دانشمندان رومی معاصر اشکانیان است، فالیچه‌های ایرانی کاخ‌های رومی را می‌آراستند، او همچنین می‌نویسد که صمغ و کتیرا و جگن ایران به روم صادر می‌شده. (رجبی، ۱۳۸۱: ص ۲۸۴). ایزودور خاراکسی گزارش خود را بر اساس مسیر حرکتش به نگارش درآورده است، در ارتباط با نخستین شهر از این محور چنین نوشته: از خالویتیس (Chalanitis) که دارای پنج روستا با تعدادی ایستگاه است، بیست و یک سوخونی است و شهر «خالا» (Chala) که با «آپولونیاتس» (Apolloniatis) پانزده سوخونی فاصله دارد و یک شهر یونانی به شمار می‌رود، نیز در همین اقلیم واقع شده است. پس از خالا به فاصله پنج سوخونی، رشته‌کوه‌هایی وجود دارد که به زاگرس (Zagros) معروف است و منطقه مرزی میان خالویتیس و مدیا، ماد را تشکیل می‌دهد. (خاراکسی، ۱۳۹۰: ص ۱۶) پس از خلویتیس (حلوان) به سمت کردند می‌رود و شرح آن را چنین بیان می‌کند: از همین جا ماد سفلی آغاز می‌شود که بیست و دو سوخونی وسعت دارد. سرآغاز آن از منطقه

«کارینا» شروع می‌شود که در پنج روستا با تعدادی ایستگاه وجود دارد، اما هیچ شهری در این ناحیه وجود ندارد. (خاراکی، ۱۳۹۰: ص ۱۷) و سپس در ادامه مسیر خویش را چنین توصیف می‌کند: از کارینا تا کامبادی (Cambadene) سی‌ویک سوخونی فاصله دارد و پنج روستا و شماری ایستگاه‌ها و همچنین شهر بغستانه (Bagistana) در همین اقلیم واقع شده‌اند و شهر نامبرده بر روی کوه واقع شده است. (همان) چون این شهر در متن اصلی ذکر نشده است جکسون آن را کرمانشاه کنونی می‌داند.

سوخونی یا پارسنگ یا فرسنگ مقیاسی ایرانی بوده است، به نظر می‌رسد که همیشه یک اشاره نبوده است و شاید در جاهایی، مابین $3\frac{1}{4}$ و $3\frac{1}{2}$ مایل، ی اندکی کم‌وبیش نیز به کار برده شده است. این مقیاس اندازه طول مسیر راه کاروانی است که در یک ساعت پیموده می‌شد. به گفته استرابون این مسافت با چهل «استادیا» برابر است، در هر صورت بین ۳۰ تا ۶۰ استادیا متغییر بوده است (خاراکی، ۱۳۹۰: ۳۶) در منبع دیگری که در دوران اسلامی نگارش یافته به خالوتیس اشاره می‌کند و چنین توضیح می‌دهد: خالوتیس، در دوران اسلامی به آن حلوان گفته می‌شود و شامل شهرهای خانقین، قصر شیرین و سرپل ذهاب بوده است. در منابع فارسی میانه به شکل هلبن و در منابع یونانی به شکل هالبان معرفی شده، در تمدن‌های اکدی به شکل ایالمان شناخته شده است (احمد، ۱۹۸۴: ص ۱۲۰) تاسیتوس مورخ رومی هنگام توصیف جنگ‌های جانشینی پارت که بین گوردز و مهرداد در گرفته بود، از رودخانه قره‌سو در کرمانشاه به‌عنوان «کرما» یاد می‌کند، احتمالاً کنار این رود شهری نیز وجود داشته است، نظر به موقعیت طبیعی این دشت بعید نیست که از دوران خیلی پیش‌تر ساسانیان در اینجا (کرمانشاهان) شهری وجود داشته باشد (گروته، ۱۳۶۹: ۹۳). این دیدگاه با وجود نقش برجسته‌های اشکانیان در سرپل ذهاب و بیستون و وجود گورهای اشکانی در طاق‌بستان می‌تواند صحیح باشد. بارتولد در ارتباط با ایزدور خاراکسی و مسیری که توصیف کرده است می‌گوید: ایزدور خاراکسی راهی را که از سلوکیه به اکباتان یا همدان می‌رفت، شرح می‌دهد. از ذکر اسم خالا یا حلوان، کارینا یا کوند، کنگوبار یا کنگاور مشخص می‌شود که این راه مطابق همان راهی است که جغرافیا نویسان عرب شرح داده‌اند و تا به امروز برقرار است. (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۱۰ص)

جغرافیای تاریخی محورقصرشیرین - کرمانشاه در دوران ساسانی

اهمیت این مسیر در دوران ساسانی نسبت به دوره قبل‌تر بیشتر می‌شود، گزارش‌های جغرافیا نویسان ایرانی و عرب در صدر اسلام و تاریخ نویسان رومی بر اهمیت این منطقه و توجه ویژه پادشاهان ساسانی به آن تأکید می‌کند. (محمدی فر، ۱۳۸۵: ص ۱۸۱). علاوه بر راه باستانی جاده ابریشم، این منطقه به‌عنوان ییلاق پادشاهان ساسانی اهمیت پیدا می‌کند. در گفتار نویسندگان و جغرافیا نویسان به شهرها و مکان‌های بسیاری اشاره شده است. (همان). در دوران ساسانی حلوان و شهرهای آن در اقلیم چهارم شمرد می‌شدند، در آخرین حد از ایالت جبال و به‌عنوان دروازه عراق توصیف شده‌اند. در منابع ساسانی بنای آن را به قباد ساسانی نسبت می‌دهند، حلوان پنج طسوج به «پیروز کواز»، «جبال»، «صیمره»، «اریبل» و «خانقین» را در برداشته است (قنبری، ۱۳۸۹: ص ۲) حلوان در اوایل دوره ساسانیان، تجدید بنا شد و به‌عنوان دروازه شرقی تیسفون، پایتخت ساسانیان، مطرح گشت. با توجه به این اهمیت می‌شود جمعیت قابل‌ملاحظه شهر را تصور کرد. (همان) رونق و شکوفایی اقتصادی شهر، نتیجه عبور کاروان‌های تجاری از آن بود. حلوان از صادرکننده‌های عمده محصولات از قبیل انجیر، انار، انگور، ریواس و توت بود. از آنجاکه در این شهر، آتشگاه کلیسا و کنیسه در کنار هم‌زیست کرده‌اند می‌توان رونق دینی را هم برای حلوان تصور کرد. زمانی که فاتحان مسلمان از راه می‌رسند، شهر پایگاه نظامی یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی می‌شود. در فتوح البلدان آمده است که جریربن عبدالله بجلی با صلح حلوان را فتح کرد و از کشتار پرهیز کرد. (بلاذری، ۱۳۶۴: ص ۱۱۰). از مهمترین منابع دوران ساسانی برای شناخت جغرافیای تاریخی و حدود جغرافیایی آن کتاب شهرستان‌های ایرانشهر نوشته موسی خورنی، مورخ ارمنی است، این کتاب در سده‌های پایانی حکومت ساسانی نوشته شده است. در کتاب سرزمین ایران به چهار کوست (بخش) تقسیم شده است، تغییراتی که از زمان انوشیروان در اداره ایالت‌ها حاصل شد.

سرزمین ایران به چهار ناحیه به‌صورت زیر تقسیم شده است:

کوست خوربران - کوست نیمروز - کوست خراسان - کوست کپکوه

غرب یا کوست خربران، به زبان پهلوی، کوست خوربران و در بندهشن، کوست خوروران و بنا بر نوشته ابن خردادبه خربران است. تنها توضیح مفصلی که در مورد خوربران به وسیله جغرافیا نویسان عرب داریم مربوط به تاریخ یعقوبی است که محدود به عراق می شود. ابن خردادبه توضیح مفصلی در مورد این بخش از ایرانشهر ارائه نداده است و فقط عنوان می کند که استاندار، دارای عنوان «خربران اسپهبد»، بوده است. (مارکوات، ۱۳۷۳: ص ۴۴).

خوربران: یعنی ناحیه غرب ک دارای ۹ استان است
مای - ماسپتان - مهرکان - کتک - نوهاترج (نوتاترج) - شیرکان (شیزکان) - ارزن (ارهن) - کشکر - گرمکان
ایران اسن کرت کوات (مارکوات، ۱۳۷۳: ۳۹) -

مای

مای به فارسی امروزه، ماه و به فارسی باستان ماذه است که از ناحیه معبر حلوان تا نزدیکی همدان ادامه داشته است. توماشک، مرز شرقی آخرین استان را، بید سرخ امروزی می داند؛ اما به نظر مارکوات در عصر ساسانی «ماذران» همان مندر آباد و کنکور (قصرالصوص) به استان ماه تعلق داشته است. در شمال غربی همان ناحیه دینور تا «مایهرج» و تا نزدیکی «سی سر» (سنندج) امروزی در جنوب شرقی نهاوند است. (مارکوات، ۱۳۷۳: ص ۴۶). بخش دیگر ماه به نام ماه شهریاران منسوب به شخصی به نام شهریار بوده است. این ناحیه شامل محل های طزر، مطامیر، زبیدیه، مرگ، یعنی همان «مرگ القلعه» بود. (مارکوات، ۱۳۷۳: ص ۴۸). جغرافی دانان ایرانی و عرب خوربران را نه به صورت استان های سیاسی، بلکه استان های کلیسایی، تصور کرده اند. (مارکوات، ۱۳۷۳: ص ۴۵). به استناد اکتشافات باستان شناسی و اشاره های منابع تاریخی، حلوان مرکز زیست سه دین زرتشت، مسیح و یهود بوده است (قنبری، ۱۳۸۲: ص ۲). کریستین سن حلوان را به عنوان یکی از اسقف نشین های مسیحی معرفی می کند (کریستین سن، ۱۳۸۸: ص ۳۶۴). مانی که در زمان شاپور اول کیش جدیدی را در امپراتوری تبلیغ می کرد زمانی حلوان را به عنوان پایگاه مذهبی خود انتخاب کرده بود (کمبریج، ۱۳۷۷: ص ۴۲۳).

شاذفیروز

به زبان پهلوی «ایران آسان کرت کوات» به معنی (کواد یا قباد ایران را آرامش داد)، این شهر به وسیله قباد اول بنا شد. بنا به نوشته ابن فقیه قباد شهر زور رانیز بنا کرد که نام اصلی آن ذکر نشده و نیز بنای شهر جدید التاسیس «حلوان» را به او نسبت می‌دهند. در واقع حلوان مرکز استانی به نام شادفیروز بوده است (قنبری، ۱۳۸۹: ص ۲). در سده آخر حکومت ساسانی منطقه غرب اهمیت مضاعف پیدا کرد. علاوه بر حلوان شهرهای دیگر نیز اهمیت پیدا می‌کند. خسرو دوم در کرمانشاه پردیسی می‌سازد و آن را استراحت گاه خویش قرار می‌دهد. در ارتباط با کرمانشاه بارتولد اشاره می‌کند که کرمانشاهان پایتخت کردستان ایران است، طبق روایات آن را بهرام چهارم پادشاه ساسانی ساخته است. در بیستون کاخی ناتمام دارد که نشان‌دهنده توجه شاه به این منطقه برای شکار و تفریح بوده است. مدارک تاریخی نشان می‌دهد که خسرو دوم در حال تحکیم قدرت خود در نوحی مرزی بوده است چنانچه ابن فقیه می‌گوید: در نزدیکی قرماسین (کرمانشاهان)، الدوکان (دوکان) است که شهبان روی زمین، از جمله فغفور پادشاه چین، خاقان پادشاه ترکان، داهر پادشاه پادشاه هند و قیصر روم و خسرو پرویز در آنجا گرد می‌آمده‌اند. (مارکوات، ۱۳۷۳: ص ۷۵).

منبع دیگری که شرح شهرهای این دوران در آن آمده شاهنامه فردوسی است، شاهنامه در اواخر قرن چهارم توسط ابوالقاسم فردوسی سروده شد. شاهنامه در واقع بخشی از کتاب خدای نامگ است که در دوران ساسانی به نگارش درآمده. در بررسی جغرافیای تاریخی شاهنامه، بخش دیگری از اماکن جغرافیایی، کوه‌ها می‌باشند، در شاهنامه به کوه‌های متعدد اشاره شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کوه اسپروز (اسپروج، زاگرس) که فردوسی در داستان رفتن کیکاوس به مازندران و جنگ بزرگ بدان اشاره می‌کند و در اوستا «اسپروج» آمده است که کوهی است بلند و همان زاگرس است. (دارابی پور، ۱۳۸۵: ص ۳۱)

نیاسوده تیره شب و پاک روز همی راند تا پیش کوه اسپروز

در ارتباط با شهر حلوان که فردوسی در داستان اسکندر به آن اشاره کرده است، چنین گفته است:

ارش خواند آن شارسان را قباد که تازی کنون نام حلوان نهاد

در قرون وسطی غالباً گردنه حلوان را که در شرق رود حلوان واقع بوده، سرحد عراق عرب می‌دانستند. اصطخری جغرافیا نویس، حلوان را هم در فصل مربوط به جبال و هم در فصل مربوط

به عراق توضیح می‌دهد. (بارتولد، ۱۳۰۸: ص ۲۵۲) حلوان علاوه بر موقعیت تجاری ممتاز جایگاه نظامی و دینی قابل توجهی داشته، به گونه‌ای که این شهر یکی از پایگاه‌های نظامی مقاومت ساسانیان در مقابل مسلمانان بود (قنبری، ۱۳۸۹: ص ۱) پیش‌تر ذکر شد که این منطقه از جایگاه ویژه‌ای به‌عنوان یک گذرگاه ارتباطی حساس برخوردار بوده است. به‌نحوی که با دستیابی به این منطقه عملاً کنترل بخش عمده‌ای از جهان آن روزگار در اختیار اقوام و حکومت‌ها قرار می‌گرفته. در دوران هخامنشی با فتح این ناحیه، شکست داریوش سوم حتمی شد. گسترش حکومت اشکانیان به سمت غرب نیز توسط مهرداد از این ناحیه آغاز شد. در دوره ساسانی با توجه به ساخت بناهای عظیم و فروان در این منطقه اهمیت آن غیرقابل‌انکار است (محمدی فر، ۱۳۸۵: ص ۱۸۵). بلاذری فتح حلوان را با صلح دانسته و نام فرمانده سپاه مسلمانان در این صلح را جریر ابن عبدالله بصری ذکر می‌کند که همراه با سه هزار نفر از جنگجویان مسلمان پس از نبرد جولای در سال شانزده هجری قمری به این ناحیه اعزام شده بودند. او در این باره چنین می‌نویسد: جریر حلوان را با صلح بگشود و متعهد شد که کاری به آن‌ها نداشته باشد، به آن‌ها بر خون و مالشان امان داد و پذیرفت که کاری به کار آنان که قصد فرار از حلوان دارند نداشته باشد. (صفری فروشانی، ۱۳۷۹: ص ۷۷) درباره فتح کرمانشاهان یا قرمیسین که در منابع به‌صورت قرماسین نیز آمده چنین می‌گوید: فتح قرماسین همانند فتح حلوان توأم با صلح بود؛ اما طبری درباره فتح حلوان چنین نقل می‌کند که سپاه اسلام در قصر شیرین که در یک فرسخی حلوان واقع شده بود، با ایرانیان به فرماندهی خسروشوم درگیر شدند. در این بین مرزبان حلوان که زینبی نام داشت کشته شد و خسروشوم فرار کرد و مسلمانان بر حلوان مسلط شدند.

جغرافیای تاریخی محور قصر شیرین - کرمانشاه در دوران اسلامی

ناحیه معروف ماد که یونانیان به آن مدیا می‌گفتند در متون جغرافیای نوشته شده توسط مورخین عرب به نام سرزمین جبال معرفی شده است. (لسترنج) چهار شهر بزرگ قرمیسین (کرمانشاه کنونی)، همدان، ری و اصفهان از زمان قدیم بزرگ‌ترین شهرهای نواحی چهارگانه ایالت جبال بود. (همان) در حدود العالم متن جغرافیایی قرن چهارم هجری، ضمن وصف شایستگی‌های کشاورزی و عمران و آبادی و نیروی انسانی ناحیه جبال حدود آن را این چنین ترسیم می‌کند: جبال ناحیتی است مشرق

وی بعضی از حدود پارس است و بعضی از بیابان کرکس کوه و بعضی از خراسان؛ و جنوب وی حدود خوزستان است. مغرب وی بعضی از حدود عراق است و بعضی از حدود آذربادگان، شمال وی کوه دیلمان است. لسترنج بعد از تعریف محدوده بلاد جبال می‌نویسد: این نام بعدها متروک شد و در قرن ششم هجری در زمان سلجوقیان به غلط آن را عراق عجم نامیدند تا با عراق عرب که مقصود قسمت سفلی بین‌النهرین بود، اشتباه نشود. (لسترنج، ۱۳۷۷:ص ۲۰۰) حافظ ابرو در جغرافیای خود ذکر می‌کند: اصل عراق در قدیم زمین بابل را گویند و در عرب میاه بنی سعد بن مالک و بنی مازن را عراق خوانند... و آنچه از بلاد عجم آن را عراق خوانند و مقید کنند به عراق عجم، آن نیز به طریق مجاز است، به سبب آن که متصل است به زمین عراق و الا در کتبی که اصحاب این فن نوشته‌اند آن را بلاد جبل خوانند. حمدالله مستوفی که در قرن هشتم می‌زیسته ایالت جبال را دو قسمت می‌کند، قسمت کوچک‌تر با عنوان کردستان در باختر مشتمل بر ناحیه کرمانشاه و بخشی از کردستان عراق و اندکی از لرستان و قسمت بزرگ‌تر، عراق عجم در خاور. در این تقسیمات مستوفی، ناحیه ری از مناطق مهم عراق عجم محسوب می‌شود تذکر این نکته لازم است که لفظ عراق علاوه بر عنوان مترادف با جبال و عراق عجم بر ناحیه محدودی از عراق عجم یعنی منطقه اراک با عنوان ولایت عراق اطلاق می‌شد. این نام قبل از تغییرات وسیع تقسیمات کشوری

۱۳۱۶ شمسی رایج و مستعمل بود. (ملکی میانجی، ۱۳۸۳:ص ۱۲۱)

قدیمی‌ترین متونی جغرافیایی که در دوران اسلامی نوشته شده است مربوط به سده سوم هجری است. از مورخین و جغرافیا نویسانی که در قرن سوم هجری کتاب نوشته‌اند، می‌توان به ابن خردادبه، یعقوبی، قدامه و ابن رسته اشاره کرد. ابن خرداد به رئیس چاپارخانه ایالت جبال بوده است. (لسترنج، ۱۳۷۷:ص ۱۳) ابو عباده ولید بن عبید ملقب به بحتری (۲۰۴ - ۲۸۴)، یکی از بزرگ‌ترین شاعران دوران عباسی بوده که در سده سوم هجری می‌زیسته، وی قصاید بسیار بدیعی سروده است او شاهد جایگاه برتر ایرانیان در دربار عباسی بوده است، آن را می‌ستود و به فرهنگ ایرانی، ریشه‌ها و پادشاهان ساسانی اشاره‌های بسیاری می‌کند (میرزایی، ۱۳۸۸:ص ۱۸۱) اسامی شهرهای ایرانی در اشعار بحتری بسیار است، او از این شهرها به نیکی یاد کرده است، بحتری بااطلاع کامل از نقشه جغرافیایی ایران باستان از این شهرها نام برده است (همان).

بحتری در قصیده‌ای به زبان عربی در مدح محمد بن علی قمی سروده است به ناحیه جبال اشاره کرده است:

لقیت ندها ب «العراق» و اومضت له ب «الجبال» مزنه تتالوق (دیوان بحتری، ۱۹۶۴: ص ۱۴۹۳)
بعد از فتح جلولا لشکر اسلام به‌جانب خانقین روان شدند. لشکر فرس چون از آمدن آن لشکر خبر یافتند از خانقین برفتند و به موضعی که آن را قصر شیرین گویند فرود آمدند و از آنجا به‌جانب حلوان رفتند. یزدگرد با خواص بندگان و مقربان و مرزبانان در حلوان بود. لشکر اسلام که از خانقین برفت‌اند در قصر شیرین فرود آمدند، سعد ابن ابی وقاص از مداین به سمت قصر شیرین رفت، به مدت ۱ روز در قصر شیرین اقامت کرد و روز دیگر جانب حلوان شد. سعد ابن ابی وقاص با لشکر اسلام به حلوان فرود آمد، پس مرادی را بخواند و ده هزار سوار بدو داد و او را به‌جانب ماسبدان و اطراف روان کرد. (اعثم، ۱۳۷۲: ص ۱۵۶)

در وصف شهرهای ایالت جبال خصوصاً حلوان و قصر شیرین به سبب داستان‌های افسانه مانند خسرو و شیرین، شعرها سروده شده. حماد عجرد می‌گوید: جعل الله سدرتی قصر شیرین فدا لنخلتی حلوان

ترجمه: خداوند به‌عوض دونخلی که در حلوان داشتم دو درخت برومند در قصر شیرین برایم قرارداد

ابن خردادبه مسیر را از قصر شیرین تا کرمانشاه با ذکر مسافت توضیح می‌دهد و در آن از شهرهایی چون شهر زور، قصر شیرین، دیزکران، مازورستان و مرج القلعه و زبیدیه و در نهایت قرماسین نام می‌برد. کسی که آهنگ شهر زور دارد، از قصر شیرین تا دیزکران دو فرسخ راه می‌رود. از دیزکران تا شهر زور ۱۸ فرسخ است و شهر آن نیم از راه (نیمراه) است؛ یعنی نیمه‌راه مداین تا آتشکده شیز است. از قصر شیرین تا حلوان ۵ فرسخ است. سپس گردنه حلوان است، از حلوان تا مازورستان ۵ فرسخ است، از مازورستان تا مرج القلعه ۶ فرسخ؛ از زبیدیه تا خشتکاریش ۳ فرسخ، از خشتکاریش تا قصر عمرو ۴ فرسخ، از قصر عمرو تا قرماسین ۳ فرسخ است و صفه شبداز (شیدیز) کمتر از دو فرسخ، از آنجا قرماسین در طرف چپ‌راه خراسان واقع است (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ص ۱۴۹) سپس مسیر هارا بر اساس فاصله چاپارخانه‌ها بررسی می‌کند و چنین می‌نویسد: از حلوان تا شهر زور ۹

چاپار، از حلوان تا سیروان شهر ماسبذان ۷ چاپار، از سیروان تا صیمره شهر مهرجاننقدق ۴ چاپار است. (همان)

از بهستون تا قرماسین یک منزل و هشت فرسنگ، از قرماسین تا زبیدیه یک منزل و هشت فرسنگ، از زبیدیه تا مرج القلعه نه فرسنگ، از مرج تا حلوان ده فرسنگ (اصطخری، ۱۳۷۳:ص ۲۰۲) یعقوبی مسیر حرکت از بغداد را بدین گونه شرح می‌دهد: کسی که بخواهد از طرف بغداد به طرف مشرق بیرون رود، از طرف شرقی آن از دجله رهسپار گردد. سپس رو به مشرق تا محلی که به آن سه دروازه گفته می‌شود و از طرف مشرق آخر بغداد است پیش می‌رود. سپس تا پل نهروان راهش مستقیم است و نهروان سرزمین باشکوه کهنی است روی نهری که از جبال یا عراق عجم می‌آید. پس هرگاه از پل نهروان بگذرد، وی را چند رشته راه جبل پیش آید. پس اگر بخواهد بر استان‌های ماسبذان و مهرجاننقدق و صیمره بگذرد هنگام عبور از پل نهروان به طرف راست رهسپار گردد، شش منزل تا ماسبذان سیر کند. هر کس بخواهد از بغداد به حلوان رود، از پل نهروان به دست چپ رهسپار گردد و به «دسکره الملک» رود که آنجا پادشاهان پارس منزل‌هایی است دارای ساختمان شگفت‌انگیز و باشکوه و زیبا. سپس مسیر را از قصر شیرین به حلوان و مرج القلعه چنین توصیف می‌کند، شهر حلوان شهری است باشکوه و بزرگ اهل آن مردمی به هم‌آمیخته از عرب و عجم، از پارسیان و کرد هاینند. فتح آن در دوران عمر روی دادخراج حلوان باینکه از استان جبال است داخل در خراج نواحی سواد می‌باشد و از شهر حلوان به مرغزار معروف به مرج القلعه که ستوران خلفا در چراگاه‌هایش می‌چرند. از مرج القلعه به زبیدیه و سپس از آنجا به شهر کرمانشاه روند و از کرمانشاه شهری است جلیل‌القدر و پرجمعیت که بیشتر اهالی آن عجم‌اند، از پارسیان و کردها و از شهر کرمانشاه تا دینور سه منزل راه است (مقدسی، ۲۵۳۶:ص ۴۵).

خانقین و قصر شیرین

در شرق جلولا شهر خانقین قرار دارد، مقدسی درباره آن می‌گوید: از جلولا به خانقین روند که از آبادی‌های بس باشکوه و ارجمند است و از خانقین به قصر شیرین. قصر شیرین شهری است سر راه حلوان. شش فرسخ بعد از خانقین در نصف راه تا حلوان که اولین شهر استان جبال است، قصر شیرین واقع شده است. شیرین معشوقه خسرو است و قصر شیرین قریه‌ای است بزرگ که بارو و

خرابه قصر ساساتی در آنجا پدیدار است. ابن رسته در قرن سوم درباره آن می‌گوید ایوانی بزرگ و باشکوه از آجر و گچ دارد، بگرد ایوان حجره‌هایی ساخته اند و حجره‌ها به یکدیگر باز می‌شوند. یاقوت حموی و حمدالله مستوفی نیز به تفصیل از قصر شیرین که خرابه‌های آن برجای بوده نام می‌برند (لسترنج، ۱۳۷۷:ص ۶۹). شروانی مکانی را توصیف می‌کند که با ویژگی‌های قصر شیرین همخوانی دارد: قریه است مابین کرمانشاه و بغداد که گویند خسرو پرویز به جهت زوجه و معشوقه خود شیرین قصری ساخته و آن در کنار رودی واقع است و هوای آنجا گرم است (شروانی، ۱۳۴۸:ص ۳۷۸)

کرمانشاه

کرمانشاهان که نام آن معمولاً به صورت کرمانشاه ذکر می‌شود، نزد اعراب به نام قرماسین معروف بوده است (لسترنج، ۱۳۷۷:ص ۲۰۲) ابن حوقل جغرافیا نویس قرن چهارم در مورد آن چنین می‌گوید: در راه همدان به حلوان نواحی قرماسین (کرمانشاهان) المطامیر و المرج قرار دارد. کرمانشاهان شهری است خرم و دارای آب‌های جاری و درخت و میوه است و در آنجا قیمت‌ها ارزان و علف فراوان و شتران چرنده بسیار است و همین کالاهای تجاری و عایدات فراوان دارد. مقدسی در قرن چهارم نخستین کسی است که نام فارسی کرمانشاهان را به کار برده است (همان) و می‌گوید مسجد جامع شهر در بازار است. قزوینی در قرن هفتم به قرماسین اشاره می‌کند و می‌گوید، در نزدیکی کرمانشاه قرار دارد به طوری که انگار هر دو شهر یکی هستند.

نظامی گنجوی در قرن ششم هجری منظومه خسرو و شیرین را سرود و در آن به کرمانشاه و بیستون و حجاری‌های طاق‌بستان اشاره کرده است.

نیارد در قبولش عقل سسستی که پیش عاقلان دارد درستی
نه پنهان بر درستش آشکارست اثرهایی که ایشان یادگارست
اساس بیستون و شکل شب‌دیز نشان قصر و آن جوی دلاویز
مهندس کاری فرهاد مسکین حدیث جوی شیر و قصر شیرین
طلب می‌کرد جایی دور از انبوه حوالی بر حوالی کوه بر کوه
به دست آورد جایی گرم و دلگیر گزو طفلی شود در هفته ای پیر

به یک فرهنگی از کرمانشاهان دور نه از کرمانشاهان بل که از جهان دور بدانجا رفت و خود را کترگر ساخت به شش ماه آن چنان قصری پرداخت ک داند هر که آنجا اسب تازد که شیرین را چنان تلخی نسازد ز حد بیستون تا طاق گرا جتتپها روان با طول و هرا زمین را عرض نیزه تنگ دارد هوا را موج بیستون رنگ داده (نظامی، ۱۳۶۶: ۱۱۴: ۲۰۵: ص ۶۲۷)

در قرن هفتم با حمله مغول کرمانشاه ویران می شود که یک قرن بعد حمدالله مستوفی به آن اشاره می کند و می گوید: اکنون دهی است که صفت شبذیز در آن حدود است. حمدالله قزوینی در توصیف تاق بستان در کرمانشاه آن را قصر شیرین میخواند و این مکان دیدنی را « صفت شیرین» می نامد. علاوه بر این نام یاقوت حموی دو قرن بعد، در اثر مشهورش به نام « معجم البلدان» اینجا را قصر شیرین نامیده است (گروته، ۱۳۶۹: ص ۱۰۷).

محل عراق محل تلاقی دجله و فرات و نقاط مجاور آن است و آن قلمرو سیاهبوم است که حد آن زایی است ک بر بالای سر من رای (سامرا) است تا حدود تکریت تا ناحیه حلوان که مجاور جبل است و تا مجاور فرات است و تا شام و واسط که زیر دجله است (مسعودی، ۱۳۴۹: ص ۴۱)، در قرن چهارم هجری مسعودی بانام بردن از سیاهبوم و ایالت های ایام پارسیان تغییراتی را که در مرزبندی استان ها شده بود را شرح می دهد. سیاهبوم (محل تلاقی دجله و فرات) در ایام پارسیان ۱۲ ایالت بود و هفتاد ولایت داشت، سپس به مرور ایام این ترتیب تغییر یافت، زیرا دجله از بستر خود بگذشت، استان حلوان که شاد فیروز نام داشت را به استان جبال افزودند و استان های سیاهبوم ده استان شد که چهل و هشت ولایت داشت (همان) حلوان دومین منزلگاه شاهراه خراسان است. حلوان، شهری است آبادان و در همه عراق بعد از بصره و کوفه و واسط و بغداد و سامره و حیره بزرگتر از آن نیست. بیشتر میوه آن انجیر است و نزدیک کوه است و در همه عراق شهری نزدیک کوه نیست جز آن و بالای آن دائم برف می باشد. (جیهانی، ۱۳۶۸: ص ۱۰۰). ابن حوقل در قرن چهارم در ارتباط با حلوان می گوید: حلوان شهری است که به روی کوه واقع است و به عراق مشرف است، در نقشه جزو عراق نگاشته شده است. بنای آن از گل و سنگ و در حدود نصف دینور است

و به اندازه دو فرسخ بی هیچ فاصله‌ای برف دارد. شهری است گرمسیری دارای درختان خرما و درخت انجیر. ابن خرداد به در ارتباط با آبادانی و خراج پرداختی حلوان می‌گوید: خوره استان شادفیروز، حلوان است. حقوق دیوانی حلوان با جا بارقه و کرد ها از سکه هزار هزار، هشتصد هزار درهم است. ۱۸۰۰۰۰۰. او مسافت شهرها را این‌گونه بیان می‌کند، از بیستون تا قرمسین (کرمانشاه) ۸ فرسخ است. از کرمانشاه به زبیدیه ۸ فرسخ و از زبیدیه تا شهر مرج القلعه ۹ فرسخ است. مقدسی حلوان را این‌گونه توصیف می‌کند: قصبه‌ای کوچک در کوه و دشت، نزدیک کوه است، دور آن را باغ‌ها فراگرفته است، انگور و انجیر دارد. بازاری کوچک و یک دژ کهن و نهری کوچک دارد. جامع آن در قهندژ است. هشت کوی دارد. کنیسه یهود در بیرون از شهر از گچ و سنگ ساخته شده است و گران‌قدرش می‌دارند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ص ۱۷۱)

در قرن هفتم، قزوینی حلوان را شهری ویران توصیف می‌کند و می‌گوید که چشمه‌های گوگردی آن بسیار شهرت دارد، در قرن هشتم حمدالله مستوفی از گندم حلوان تمجید می‌کند و می‌گوید باوجوداینکه متروک است ولی اطراف آن سی قریه وجود دارد. (لسترنج، ۱۳۷۷: ص ۲۰۶) در گوشه چپ شهر حلوان، شهرهای شهر زور و سهرورد است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ص ۱۰۲). نویسنده دیگری به نام اسحاق بن حسین منجم در مورد حلوان می‌گوید: حلوان در اقلیم چهارم است. فاصله آن از خط استوا سی و چهار درجه است و از خط مغرب هفتاد و دو درجه است. در میان حلوان و بغداد شهر طبرستان است (منجم، ۱۳۷۰: ص ۶۹)

ماذورستان

در کنار شاهراه بزرگ خراسان و چهار فرسخ بالای حلوان به طرف کرند مازورستان واقع است و به گفته یاقوت ایوانی در آنجا بوده است که بر روی صفا ای بنا گردیده. شش فرسخ آن طرف تر مازورستان شهر کرند واقع است.

مرج القلعه و زبیدیه

ابن حوقل در وصف مرج القلعه می‌گوید شهری است دارای بارویی مهم و حول و حوش آن روستاهای پرجمعیت و خوب وجود دارد. یعقوبی حکایت می‌کند در مراتع آن خلفای عباسی، اسبان خود را نگه می‌داشته‌اند. چهار فرسخ آن طرف تر چمن طزر قرار دارد که به قول مقدسی آثاری از

یک قصر ساسانی در آن است، شش فرسخ بعد از طرز زبیدیه قرار دارد که به گفته ابن حوقل منزل نیکو و سازگاری است و از این‌که سر شاهراه واقع گردیده معلوم می‌شود در محل قریه هارون‌آباد کنونی واقع بوده است، پس‌از آن از دشت ماهیدشت گذشته و به‌طرف کرمانشاه می‌رفته‌اند (لسترنج، ۱۳۷۷: ص ۲۰۷). مستوفی می‌گوید در دشت ماهیدشت در زمان او پنجاه روستا بوده است که هرکدام در میان مراتع سبز و خرم قرار داشت است. با تطبیق اطلاعات از مرج القلعه اعم از شرایط جوی، منظر و چشم‌انداز توصیف شده از دشت، فواصل میان شهرها نشان می‌دهد که مرج القلعه بیان شده در منابع می‌تواند همان کردند امروزی باشد که روستای سرخه دیزه چند کیلومتر بالاتر از آن قرار گرفته و قلعه واقع در آن، همان قلعه مشهور ساسانی است (غلامی، موسوی حاجی، ۱۳۹۸: ص ۸۶)

ابن حوقل مسیر را تا مرج القلعه این‌گونه شرح می‌دهد، از قصر دزدان تا مازورستان ۷ فرسخ و از آنجا تا قنطره نعمان ۵ فرسخ و از آنجا تا قریه ابی ایوب ۴ فرسخ و از آنجا تا بهستون ۲ فرسخ است و بیستون کوهی بزرگ است و قریه‌ای به نام ساسانان دارد. از بیستون تا قرمسین (کرمانشاه) ۸ فرسخ است. از کرمانشاه به زبیدیه ۸ فرسخ و از زبیدیه تا شهر مرج القلعه ۹ فرسخ است.

نتیجه‌گیری

آنچه تاکنون به‌اختصار توضیح داده شد، وضعیت قرارگیری شهرها و محوطه‌هایی است که در دوران اشکانی و ساسانی و دوران حکومت‌های اسلامی دارای اهمیت فراوانی بوده‌اند. منطقه مذکور به‌واسطه موقعیت استراتژیکی که داشته است، درگاهی برای ورود به فلات ایران محسوب می‌شده است. جاده تجاری خراسان که امروز بانام، محور ساسانی قصرشیرین - کرمانشاه خوانده می‌شود، یک گذرگاه ارتباطی حساس بوده است. با توجه به اهمیت نقش آن در تجارت و واسطه‌گری برای ایجاد ارتباط غرب به شرق، مطالعه آن از لحاظ تاریخی و باستان‌شناسی برای شناخت هرچه بیشتر آثار و محوطه‌های قرارگرفته در این جاده تاریخی امری الزامی است. بر اساس مطالعات انجام‌شده مکان‌یابی شهرهایی که در مسیر محور قرارگرفته‌اند و تطبیق آن با شهرهای امروزی را مشخص می‌کند، بر طبق متون قصر شیرین از اواخر دوران ساسانی و دوران‌های اسلامی منطقه‌ای مهم به شمار می‌رفته و در متون از آن یادشده است، پس‌از آن شهر حلوان قرار دارد که سرپیل ذهاب امروزی

است که از دوران اشکانی تا دوران‌های اسلامی و عصر حاضر شهری توسعه یافته به شمار می‌آید. در متون برجای مانده از جغرافی‌نویسان صدر اسلام بعد از حلوان از مازورستان نام می‌برند که بر اساس جایابی امروزی و نسبت فاصله آن با کرد، ممکن است گیلان غرب باشد. بر اساس فواصل ذکر شده و کاربری‌ای که برای مرج القلعه تعریف کرده‌اند، مکان مناسبی برای پرورش اسب بوده است، احتمال زیاد مرج القلعه همان ماهیدشت است. در نهایت ایستگاه بعدی در مسیر محور قرماسین است که همان شهر کرمانشاه می‌باشد.

منابع

۱. ابن خرداد به (۱۳۷۰)، المسالک و الممالک؛ ترجمه حسین قره چانلو؛ تهران
۲. احمد ابن فضلان بن العباس بن الرشید بن عماد، (۱۳۴۵)، سفرنامه ابن فضلان، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۳. اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم (۱۳۷۳)، ممالک و مسالک، ترجمه محمد بن اسعد عبد الله، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۴. اوین، اوژن، (۱۳۶۲)، ایران امروز، ترجمه و حواشی علی اصغر سعیدی؛ تهران: کتابفروشی زوار.
۵. اصفهانی، حمزه بن حسن، (۱۳۴۶)، تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیا)، ترجمه جعفر شعا، تهران انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۶. اعثم، محمد بن علی، الفتوح، (۱۳۷۴)، رجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. ابن حوقل، (۱۳۴۵)، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۸. بارتولد، واسیلی، (۱۳۰۸)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران، چاپخانه اتحادیه،
۹. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، (۱۳۶۴)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.
۱۰. بایندر، هانری، (۱۳۷۰)، سفرنامه هانری بایندر، (کردستان، بین‌النهرین، ایران)، ترجمه کرامت الله افسر؛ تهران: انتشارات فرهنگسرا.
۱۱. پیگولوسکایا، ن، (۱۳۷۲)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

۱۲. شروانی، حاج زین العابدین (۱۳۴۸)، حدایق السیاحه، تهران: سازمان چاپ دانشگاه.
۱۳. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، (۱۳۶۸) با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، اشکال العالم، تهران: نشر آستان قدس رضوی.
۱۴. حافظ ابرو، (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. خاراکسی، ایزدور، (۱۳۹۰)، ایستگاه‌های پارتی، ترجمه فیروز حسن عزیز، تهران: انتشارات گنجینه هنر.
۱۶. دارابی پور، حسن، جلیل، «جغرافیای تاریخی شاهنامه»، پژوهش نامه تاریخ، ۱۳۸۵، شماره ۲، ۱۵ تا ۴۰.
۱۷. دمورگان، ژاک، (۱۳۳۹)، هیات علمی فرانسه در ایران، مطالعات جغرافیایی، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز: چهر.
۱۸. دریایی، تورج، (۱۳۹۴)، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: نشر ققنوس.
۱۹. رجبی، پرویز (۱۳۸۳)، هزاره های گمشده، اشکانیان، تهران، انتشارات توس.
۲۰. سلطانی، محمد علی، (۱۳۷۰)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاه، ج ۱، تهران: موسسه فرهنگی نشر سها،
۲۱. صفری فروشانی، نعمت الله «درآمدی بر صلح نامه های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران»، تاریخ اسلام، ۱۳۷۹، شماره ۲، ص ۵۰-۱۱۹.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۳. غلامی، صبا، موسوی حاجی، رسول، (۱۳۹۸)، « بنای سرخه دیزه، قلعه ای ساسانی بر سر شاهراه خراسان»، مطالعات ایرانشناسی، شماره ۱۵، ص ۷۷-۸۷
۲۴. قایم مقامی، جهانگیر، «بختی درباره مفهوم جغرافیای تاریخی»، ۱۳۵۱، شماره ۴۰، ص ۱۱-۲۲.
۲۵. قنبری، صباح، خسروی زاده، صباح، «جغرافیای تاریخی حلوان»، پژوهش در تاریخ، ۱۳۸۹، شماره ۱، ص ۱-۱۸.

۲۶. کریستین سن، آرتور، (۱۳۸۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات راستی نو.
۲۷. گروته، هوگو، (۱۳۶۹)، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود؛ تهران: نشر مرکز.
۲۸. لسترنج، گای، (۱۳۷۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،
۲۹. مقدسی، ابو عبد الله محمد بن احمد؛ (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی المعرفه الاقاسیم؛ ترجمه علینقی وزیری، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۳۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۴۹)، التنیبه والاسراف، ترجمه قاسم پاینده؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۱. منجم، اسحاق ابن حسین، (۱۳۷۰)، آکام المرجان فی ذکر المداین المشهور، فی کل مکان ترجمه محمد آصف فکرت؛ تحقیق فهمی سعد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۲. ملکی میانجی، علی، (۱۳۸۳)، جغرافیای ری، ج اول، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۳۳. مستوفی، حمدالله، (۱۳۸۱)، نزه القلوب، به تصحیح دکتر محمد دبیر صدیقی، قزوین: انتشارات حدیث امروز.
۳۴. مارکوات، یوزف، (۱۳۷۳)، ایرانشهر برمبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات اطلاعات.
۳۵. محمدی فر، یعقوب، «مروری بر کلیات جغرافیای تاریخی منطقه زاگرس مرکزی در دوران پیش از اسلام»، مطالعات ایرانی، شماره ۹، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳ - ۱۹۰.
۳۶. میرزایی، علی اصغر، «جغرافیای تاریخی امپراتوری پارتیان»، رشد آموزش تاریخ، شماره ۱۳۸۴، ۲۱، ص ۲۱-۲۷.
۳۷. نظامی گنجوی؛ (۱۳۶۶)، خسرو و شیرین، تصحیح و تعلیقات بهروز ثروتیان؛ انتشارات توس؛ تهران،
۳۸. یعقوبی، ابن واضح (احمد ابن ابی یعقوب)، (۲۵۳۶)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۹. البحتری، ابو عباده ولیدبن عبید، (۱۹۶۴)، دیوان البحتری، عنی بتحقیقه و شرحه و التعلیق: حسن

کامل الصیرفی، ج ۳،

۴۰. رشید، احمد، (۱۹۸۴)، جبال، دراسات کردیه فی بلاد سوبارتو الطبعه الاولی، بغداد.